

# بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر گرایش به نزاع دسته جمعی در شهر لردگان

تاریخ پذیرش: 1397/02/05

تاریخ دریافت: 1396/11/18

سید علیرضا افشانی،<sup>1</sup> یزدان کریمی منجرمویی<sup>2</sup>

از صفحه 49 تا 70

## چکیده

زمینه و هدف: امروزه نزاع دسته جمعی به عنوان یک آسیب اجتماعی، یکی از شاخص‌های مهم وجود خشونت در جامعه تلقی می‌شود که بین افراد و گروه‌ها به وقوع می‌پیوندد و امنیت اجتماعی را مورد تهدید و مانع توسعه اجتماعی می‌شود. لذا پژوهش حاضر با هدف بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر گرایش به نزاع دسته جمعی در شهر لردگان انجام گرفته است.

روش‌شناسی: روش تحقیق در این پژوهش از نوع پیمایشی و ابزار پژوهش، پرسشنامه استاندارد بوده است. جامعه آماری را کلیه افراد 18-60 سال شهر لردگان تشکیل می‌دهند که از این تعداد، نمونه‌ای با حجم 384 نفر از طریق فرمول کوکران برآورد و به شیوه خوشه‌ای چند مرحله‌ای به عنوان نمونه مورد بررسی انتخاب شده‌اند.

یافته‌ها: نتایج پژوهش حاکی از معنادار بودن رابطه‌ی بین متغیرهای پرخاشگری، اختلافات ملکی، خویشاوندگرایی، تجربه عینی نزاع و جنس با متغیر وابسته می‌باشد. همچنین نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل رگرسیونی نیز نشان داد که متغیرهای پرخاشگری و اختلافات ملکی به ترتیب با ضریب بتاهای (0/554) و (0/135)، بیشترین تأثیر را بر گرایش به نزاع دسته جمعی داشته‌اند.

نتیجه‌گیری: با افزایش اختلافات ملکی، خویشاوندگرایی، تجربه عینی و پرخاشگری میزان گرایش به نزاع دسته جمعی نیز افزایش می‌یابد.

واژه‌های کلیدی: نزاع دسته جمعی، پرخاشگری، خویشاوندگرایی، اختلافات ملکی، لردگان.

1- دانشیار دانشگاه یزد(نویسنده مسئول) arafshani@yahoo.com

2- دانش آموخته کارشناسی ارشد دانشگاه یزد yazdan484@yahoo.com

## مقدمه

انسان‌ها در طول تاریخ حیات اجتماعی خویش بر اساس زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی و تحت تأثیر شرایط اقتصادی و سیاسی و ارزش‌های حاکم بر جامعه و اندیشه و تفکر افراد، در تنوعی از رویارویی‌ها و تقابلات مثبت و منفی فردی، گروهی و بین‌گروهی قرار گرفته‌اند. گاه در صلح، آرامش و نوع دوستی و گاه در تضاد، ستیزه، و نزاع با یکدیگر. آنچه مسأله آفرین است وجود نزاع‌ها و درگیری‌های خشونت‌آمیز در بین گروه‌ها می‌باشد (نورعلی‌وند و همکاران، 1395:144). نزاع<sup>1</sup> و درگیری یکی از مصادیق خشونت در جوامع بوده و پدیده‌ای اجتماعی است که در تمام دوره‌ها کم‌وبیش دیده می‌شود. در گذشته این پدیده عامل ماندگاری بسیاری از انسان‌ها، جوامع، تمدن‌ها و فرهنگ‌ها بوده است. این مسأله و چگونگی استفاده از آن در گذشته در مسائلی چون دفاع از آب، خاک، حیثیت، فرهنگ و تمدن و غیرت مطرح بوده است. امروزه نزاع دسته جمعی به عنوان یک آسیب اجتماعی، یکی از شاخص‌های مهم وجود خشونت در جامعه تلقی می‌شود که بین افراد و گروه‌ها به وقوع می‌پیوندد (میرساردو و همکاران، 1391:8) و پیامدها و نتایج اجتماعی متفاوتی را در بر دارد که از مهم‌ترین پیامدها می‌توان به کاهش ابعاد مختلف امنیت در جامعه (افشانی و همکاران، 1394:80)، افزایش آمار خسارت‌های مالی و جانی و مانع توسعه اجتماعی اشاره نمود (نظری و همکاران، 1387:188).

## بیان مسأله

پدیده نزاع و درگیری در جامعه به آن نوع آسیب‌های اجتماعی اطلاق می‌شود که با ایجاد اختلال در روابط اجتماعی، فضایی مملو از بغض، کینه و دشمنی را در بین افراد به وجود می‌آورد که این امر، زمینه را برای شروع نزاع و تنش‌های بعدی آماده می‌کند و جامعه را به لحاظ مادی و معنوی متضرر می‌سازد. این پدیده در کشورهایی که دارای بافت جمعیتی چند قومیتی می‌باشند به عنوان پدیده‌ای مسأله‌ساز ظاهر می‌شود و کشور ما نیز از این امر مستثنی نمی‌باشد. پدیده نزاع جمعی در مناطقی از کشور که به شدت از ارزش‌های سنتی و طایفه‌ای خود تأثیر می‌پذیرند و گرایش و پایبندی کمتری نسبت به هنجارها و قانون دارند، بیشتر دیده می‌شود. از سوی دیگر، خشونت و نزاع از جمله

1- Quarrel

موضوعاتی هستند که متأسفانه در فرهنگ بعضی هموطنان به عنوان شاخص قدرت و یا دفاع از منزلت اجتماعی و حیثیت خانوادگی محسوب می‌شود (پورافکاری، 1383:375).

آمار نزاع و درگیری آن دسته از آماری است که در کشور وجود دارد اما به دلایل فرهنگی و اجتماعی خاص، تعداد زیادی از نزاع‌ها و آمار ضرب و جرح‌ها از سوی افراد و خانواده‌ها به مراکز پلیس گزارش نمی‌شود و این میزان شاید چند برابر مقدار گزارش شده به مراکز پلیس باشد (افشانی و همکاران، 1394:80). تعداد مراجعان نزاع در کل کشور در فاصله سال‌های 1390 تا 1394 به پزشکی قانونی نشان می‌دهد که در این سال‌ها بیشترین تعداد مراجعان نزاع با رقم 607 هزار و 349 نفر در سال 1392 و کمترین آن با رقم 564 هزار و 223 نفر در سال 1394 ثبت شده است (سازمان پزشکی قانونی کشور، 1396). جدیدترین آمارها نشان می‌دهد که در سال 1395، 547 هزار و 210 مورد و در سال 1396، 544 هزار و 470 مورد، معاینات نزاع در مراکز پزشکی قانونی کشور صورت گرفته است که در طی این نزاع‌ها در مجموع 370 هزار و 795 مرد و 173 هزار و 675 زن درگیر بوده‌اند (سازمان پزشکی قانونی کشور، 1396). استان چهارمحال و بختیاری در سال 1389 به همراه دو استان کهگلویه و بویراحمد و خوزستان بیشترین آمار نزاع را داشته است (میرساردو و همکاران، 1391:9)؛ همچنین در 10 ماهه اول سال 1393 با توجه به جمعیت استان (895263)، به ازای هر 98/4 نفر یک پرونده نزاع ثبت شده است که این آمار استان چهارمحال و بختیاری را در صدر بیشترین نزاع‌های صورت گرفته در بین استان‌های دیگر قرار داد (پایگاه خبری یافته: 1394). همچنین تعداد مراجعان نزاع در استان چهارمحال و بختیاری در فاصله سال‌های 1390 تا 1394 نشان می‌دهد که در این سال‌ها بیشترین مراجعان نزاع با رقم 10 هزار و 340 در سال 1392 و کمترین آن با رقم 8 هزار و 157 نفر در سال 1394 ثبت شده است این آمار در سال 1395، 7 هزار و 846 مورد (سازمان پزشکی قانونی چهارمحال و بختیاری، 1396) و در سال 1396، 8 هزار و 230 مورد ثبت شده است که در مجموع 5 هزار و 894 مرد و 2 هزار و 336 زن درگیر بوده‌اند (سازمان پزشکی قانونی کشور، 1396).

شهرستان لردگان با توجه به این که به شدت متأثر از ارزش‌های سنتی و طایفه‌ای می‌باشد، هر از چندگاهی شاهد نزاع‌های دسته جمعی می‌باشد. به عنوان نمونه از ابتدای سال 1385 تا پایان سال 1389 تعداد 23 نفر به دلیل شرکت در نزاع‌های دسته‌جمعی جان

خود را از دست داده‌اند (محمدی، 1390:18) و در سال 95 نیز در نزاع‌های دسته جمعی 3 نفر جان خود را از دست داده‌اند و چندین نفر نیز مجروح شده‌اند. این مسأله با توجه به خسارت‌های جانی، مالی و آسیب‌های روحی غیرقابل جبرانی که برای هر دو طرف نزاع دارد، نتایج مخربی مثل: افزایش آسیب‌های اجتماعی، تأثیر منفی بر ابعاد گوناگون امنیت اجتماعی و مخدوش کردن چهره فرهنگی و اجتماعی شهرستان نیز دارد، که نیازمند توجه و بررسی می‌باشد. لذا این تحقیق بر آن است که چه عواملی در گرایش مردم شهر لردگان به نزاع دسته جمعی مؤثر است؟ و کدامین عوامل مهم‌تر می‌باشند؟

### پیشینه پژوهش

طالب و همکاران (1396)، پژوهشی با عنوان «مطالعه کیفی عوامل اجتماعی - فرهنگی مؤثر بر نزاع‌های دسته‌جمعی (مورد مطالعه: شهرستان ایذه)» انجام داده‌اند. نتایج پژوهش نشان داد که مداخله‌ی دولت در جامعه‌ی عشایری و اجرای برنامه‌ی اصلاحات ارضی و مهم‌تر از آن قانون ملی شدن مراتع و جنگل‌ها در دهه‌ی چهارم موجب اسکان خودجوش عشایر و بالطبع آن شیوع نزاع‌های دسته‌جمعی در منطقه گردیده است. همچنین تعصبات طایفه‌ای، جمع‌گرایی عمودی، پیوندهای خویشاوندی، مسائل ناموسی، اختلافات ملکی، بیکاری، رقابت نخبگان، فروپاشی ساختار سنتی مدیریت، بی‌اعتمادی به مراجع قضایی و انتظامی، تجربه عینی نزاع و آگاهی از محرومیت زمینه‌ی نزاع دسته جمعی را مهیا می‌کنند (طالب و همکاران، 1396:71-102).

افشانی و همکاران (1394)، پژوهشی با عنوان «بررسی پدیده نزاع در بین شهروندان ساکن شهر یزد» انجام داده‌اند. نتایج پژوهش نشان داد که بین متغیرهای سن، تجربه عینی نزاع، رضایت از زندگی و دسترسی به امکانات رفاهی و ابعاد نزاع رابطه وجود دارد. همچنین نتایج نشان داد که افراد با تحصیلات پایین‌تر تمایل بیشتری نسبت به نزاع دارند و افراد متأهل و افراد مجرد از نظر میزان گرایش به نزاع تفاوت معناداری داشته‌اند (افشانی و همکاران، 1394:79-94).

صادق‌نیا و همکاران (1392)، پژوهشی با عنوان «بررسی رابطه فرهنگ شهروندی و گرایش به نزاع جمعی در بین مردان 15 تا 65 سال شهرستان بویراحمد» انجام داده‌اند. نتایج پژوهش نشان داد که بین متغیر فرهنگ شهروندی و ابعاد آن - مسئولیت‌پذیری

اجتماعی و مشارکت اجتماعی- بر گرایش به نزاع جمعی تأثیرگذار می‌باشد اما بُعد قانون‌مداری فرهنگ شهروندی بر متغیر وابسته تأثیرگذار نبوده است (صادق‌نیا و همکاران، 1392:23-53).

شریعتی و همکاران (1391)، پژوهشی با عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر تمایلات بالقوه به نزاع‌های دسته جمعی در شهرستان خدابنده» انجام دادند. نتایج پژوهش نشان داد که بین متغیرهای عدم اعتماد به مراجع قضایی و انتظامی و عوامل فرهنگی - تاریخی، اختلافات خانوادگی، اختلافات ملکی و گرایش به نزاع دسته جمعی در شهرستان خدابنده رابطه معناداری وجود دارد. همچنین نتایج تجزیه و تحلیل رگرسیونی نشان داد که بیشترین تأثیر را به ترتیب متغیرهای اختلافات ملکی، اختلافات خانوادگی و عدم اعتماد به مراجع قضایی و انتظامی بر گرایش به نزاع‌های دسته جمعی داشته است (شریعتی و همکاران، 1391:95-118).

نتایج مطالعه میرفردی و همکاران (1390)، با عنوان «میزان گرایش به نزاع در میان مردان 15 تا 65 سال شهرستان بویراحمد و عوامل مؤثر بر آن» نشان داد که متغیرهای خویشاوندگرایی، پایگاه اقتصادی - اجتماعی و سن تأثیر معناداری بر گرایش به نزاع جمعی داشته‌اند اما متغیر اعتماد تأثیری بر گرایش به نزاع جمعی نداشته است (میرفردی و همکاران، 1390:148-177).

نتایج مطالعه نظری و همکاران (1387)، با عنوان «بررسی جامعه‌شناختی عوامل اجتماعی - فرهنگی مؤثر بر مسأله نزاع جمعی در استان ایلام» نشان داد که بین متغیرهای قوم‌گرایی، تجربه عینی و پرخاشگری رابطه معنادار و مثبت و سطح تحصیلات و میزان کنترل اجتماعی نیز رابطه معنادار و منفی با میزان گرایش به نزاع داشته‌اند و جنسیت و وضعیت تأهل با گرایش به نزاع رابطه معناداری نداشته‌اند (نظری و همکاران، 1387:187-210).

مورگانز<sup>1</sup> (2015)، در پژوهشی با عنوان «افزایش نزاع‌های روستایی در برزیل» نشان داد که در محیط‌های سنتی، به دلیل ساختار آن و نزدیکی روابط، نزاع سریع‌تر رخ می‌دهد و این امر از عواملی چون شرایط محیطی، قدرت گروهی، پشتوانه جمعی و مسئله غیرت تأثیر می‌پذیرد (مورگانز، 2015).

ساید<sup>2</sup> (2014)، پژوهشی با عنوان «تعارض روستایی در برزیل» انجام داد. نتایج نشان داد که نمادگرایی، سنت پرستی، فرقه‌ای بودن جامعه روستایی، وجود طوایف گوناگون متخصص، برگزاری مراسم سنتی و تنش‌های تاریخی، مسیر روستاها را به سمت فرهنگی شدن نزاع دسته جمعی سوق داده است (ساید، 2014:102).

گوگوننی<sup>3</sup> (2014)، در پژوهش خود راجع به «درگیری قومی در کنیا» به این نتیجه رسید که تضاد گروهی، فقدان سازگاری ارزشی، حس برتری بینی، فقدان مدیریت تعارض، مسائل ارضی و سرزمینی زمینه‌ساز تنش بین گروه‌ها شده است (گوگوننی، 2014).

آیشاک. جی<sup>4</sup> و همکاران (2012)، در پژوهشی تحت عنوان «خشونت شرافتی در میان جوامع و طوایف کرد» نشان دادند که خشونت نسبت به زنان، ریشه در ساختار طایفه‌ای و فرآیندهای تاریخی آن دارد. البته این پژوهش، به مزایا و نقش ارزش والایی چون شرف، آبرو و اعتبار \_ که در ساختار طایفه‌ای پررنگ هستند\_ نیز اشاره می‌کند؛ اما دفاع متعصبانه از این ارزش‌ها را تا جایی که همراه با صدمه و آسیب به زنان است، جایز نمی‌داند (آیشاک، 2012).

ریچموند<sup>5</sup> (2011)، علت اصلی جنگ و خونریزی بین گروه‌های سنتی و متکی به زندگی طایفه‌ای را در نداشتن آگاهی اجتماعی، فقر فرهنگی، مردسالاری، جامعه‌پذیری و فرهنگی شدن خشونت می‌داند (ریچموند، 2011:345).

عبدلا و الهادری<sup>6</sup> (2011)، در پژوهشی با عنوان «حق چرای عشایر و طولانی‌تر شدن مدت نزاع در شرق سودان» نشان دادند که عدم احساس امنیت مالکیت زمین،

1- Morgans  
2- Side  
3- Gogoneni  
4- AishaK  
5- Richmond  
6- Abdalla& Elhadary

تعصب اجتماعی، مسائل ناموسی، کنترل اجتماعی، فرهنگ سنتی و ساختار اجتماعی عامل اصلی در نزاع دسته جمعی هستند (عبدلا و الهاردی، 2011:123).

رایس<sup>1</sup> (2009)، در پژوهش خود به این نتیجه رسید که علت اصلی قتل 185 نفر از زنان و کودکان در جنگ طایفه‌ای بیشتر در تحریک احساسات طایفه‌ای و فقدان نظارت اجتماعی است. وی در ادامه زندگی طایفه‌ای، فقدان منابع کافی برای گذران معیشت، مسائل ناموسی و شدت یافتن رقابت‌های گروهی را عامل نزاع گروهی می‌داند (رایس، 2009).

لی فرانس<sup>2</sup> و همکاران (2008)، پژوهشی تحت عنوان «خشونت‌های بین فردی در سه کشور کارائیب: باربادوس، جامائیکا و ترینیداد و توباگو» انجام داده‌اند. نتایج این پژوهش نشان داده است که قربانیان خشونت جنسی بیشتر از جنس مؤنث بوده‌اند که بیشترین میزان را در جامائیکا داشت. به نظر این پژوهشگران سطوح بالای خشونت بین فردی گزارش شده نشانگر سطح بسیار بالای تحمل میان قربانیان و فرهنگ خشونت می‌باشد (لی فرانس و همکاران، 2008:409-421).

### مبانی نظری

نزاع عبارت است از کشمکشی مشهود و مستقیماً قابل رؤیت، حداقل بین دو نفر و یا کشمکشی بین افراد یا جمعی بر سر ارزش‌ها، ادعا، وضعیت، قدرت و یا منابع کمیاب است که در آن گروه درگیر در نزاع از برتری ارزش یا ادعاهای خود حمایت می‌کنند (بیرو، 1375:456).

به زعم مرتن و نیزبت، شرایطی که منجر به بی‌سازمانی اجتماعی در جامعه می‌شود، در درجه اول به واسطه فروپاشی هنجارها و توقعات و در وهله دوم به تنهایی به دلیل تضاد است (نیزبت و همکاران، 1947:59). نزاع جمعی معمولاً در مناطقی که ساختار اجتماعی طایفه‌ای، قومی و قبیله‌ای دارند و روحیه‌ی همکاری در آنها بالاست به وقوع می‌پیوندد (شاطریان، 1394:71). یکی از ویژگی‌های اجتماعات با ساختار طایفه‌ای و عشیره‌ای معمولاً خویشاوندگرایی است. خویشاوندگرایی و احساس وابستگی و تعلق به گروه یا طایفه‌ای خاص و کسب امنیت فردی از طریق وابستگی به یک قوم ویژه، عواقب

1- Rice

2- Le Franc

اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و حتی امنیتی زیادی دارد. رابطه خویشاوندی کنش‌های جمعی و ایجاد تعهد، مسئولیت و حتی وظیفه را در چارچوب ایل و طایفه شکل می‌دهد. اعضای که خود را به یک ایل نسبت می‌دهند و با دیگران احساس خویشاوندی می‌کنند، به دفاع یا پشتیبانی از یکدیگر بر می‌خیزند و مشکلات و مسائل دیگر اعضای طایفه را مشکلات خود و خانواده خود می‌پندارند. به همین دلیل، هرگونه تجاوز، حمله یا خسارت به فرد، تجاوز و یا خسارت به خانواده و طایفه تلقی می‌شود. در نتیجه کنش‌های افراد نه بر اساس عقلانیت و منطق و منافع کل سرزمین بلکه بر مبنای تعصبات غیرمنطقی نسبت به اعضای خانواده و خویشاوندان صورت می‌گیرد و قضاوت آنها براساس مبانی خویشاوندی صورت می‌گیرد. (سریع‌القلم، 1386: 57-58). به عبارتی، در این نوع ساختار عشیره‌ای نظام پشتیبانی خانوادگی یکی از مهم‌ترین عناصر در زندگی بیشتر افراد به شمار می‌آید. چشمداشت‌های یاری متقابل و مسئولیت مشترک اجتماعی و حقوقی همگی تحت تأثیر پیوندهای خویشاوندی شکل می‌گیرد (بیتس و پلاگ، 1387: 260). از آنجایی که ساختار جامعه مورد مطالعه از طوایف گوناگونی تشکیل شده است و افراد هویت خود را بر اساس طایفه‌ای که به آن احساس تعلق می‌کنند، کسب می‌کنند و می‌شناسند، پیامدهای منفی می‌تواند ایجاد نماید، چرا که در نتیجه این نوع ساختار طایفه‌ای، کنش‌های افراد نه بر اساس عقلانیت و منطق، بلکه بر مبنای تعصبات غیرمنطقی نسبت به اعضای خانواده، فامیل و طایفه صورت می‌گیرد؛ در نتیجه تصمیم‌گیری بر مبنای تعصب در میان افراد نهادینه می‌شود چرا که افراد به این شکل جامعه‌پذیر شده‌اند؛ در نهایت با بروز یک اختلاف کوتاه میان دو فرد یا دو خانواده اطرافیان نیز به حمایت نزدیکان و خویشاوندان خود برخاسته و نزاع‌های جمعی اتفاق می‌افتد.

نظریه‌های مربوط به کشمکش و نزاع عموماً به نظریه‌های اندیشمندانی چون وبر، مارکس، دورکیم و زیمل بر می‌گردد. بر اساس این نظریه‌ها، دلایلی وجود دارند مبنی بر اینکه طرفین درگیر کشمکش ممکن است اهداف ناسازگار داشته باشند که از جمله آنها می‌توان به طور خلاصه به موارد زیر اشاره کرد؛ 1- منابع مورد منازعه؛ 2- ارزش‌های ناسازگار؛ 3- نقش‌های ناسازگار.



منابع، زمانی عامل نزاع قرار می‌گیرند که یکی از طرفین خواهان منابعی است که دیگری در اختیار دارد یا زمانی که هر دو طرف متخاصم خواهان منابع اختصاص نایافته یکسانی هستند. این منابع می‌توانند پول، زمین و سیاست باشند، ولی به طور کلی منابع مورد منازعه ثروت، قدرت و منزلت می‌باشند (عابدینی و همکاران، 1390:12). در شاخص ثروت، اصلی‌ترین منبع مورد منازعه زمین می‌باشد. در مقوله قدرت، نابرابری قدرت و تسلط یکی بر دیگری و درگیری و کشمکش برای رهایی از این تسلط مطرح است و در مقوله منزلت، کسب شهرت و احترام، عامل کشمکش و منازعه می‌باشد. بین منزلت و قدرت رابطه نزدیکی وجود دارد؛ به این صورت که فردی که دارای قدرت است معمولاً از احترام بالایی برخوردار است و کسی که از احترام بالایی نیز برخوردار است معمولاً می‌تواند قدرت کسب نماید. براساس نظر مارکس کشمکش‌های اجتماعی وجود دارند؛ چون افرادی هستند که مالک تولید هستند و کسانی نیز وجود دارند که برای صاحبان ابزار تولید کار می‌کنند. لذا آن‌ها به ناچار در تقابل با یکدیگر قرار می‌گیرند زیرا اهداف و منافع این دو گروه ناسازگار است. در نتیجه، مارکس مالکیت خصوصی را ریشه کشمکش‌های اجتماعی می‌دید (بارتوس و همکاران، 1391:6). با توجه به این که اراضی ملکی می‌تواند هم ثروت، قدرت و منزلت برای شخص صاحب آن به بار آورد و همچنین یکی از منابع اختلاف و نزاع باشد به عنوان یکی از متغیرهای مستقل مطرح گردید.

در روانشناسی متغیری که به حوزه جامعه‌شناسی بیشتر از هر متغیر دیگری نزدیکتر می‌باشد و قابلیت بررسی تجربی در سطح جامعه‌شناختی به خصوص گرایش به نزاع را دارا می‌باشد، مفهوم «پرخاشگری» است. پرخاشگری عملی است که هدفش صدمه زدن و رنجاندن دیگران است؛ بنابراین پرخاشگری را می‌توان معلول هر موقعیت ناخوشایند یا ملال‌انگیز از قبیل درد، دل‌تنگی و غیره دانست. یکی از مهم‌ترین عوامل ایجادکننده پرخاشگری در میان همه موقعیت‌های ناخوشایند و ملال‌انگیز، «ناکامی» است (نظری، 1387:197). نظریه پردازانی همچون دولارد، دوب، میلر و سیرزبر این باور بودند که بین ناکامی و پرخاشگری رابطه‌ای متقابل وجود دارد به این صورت که ناکامی همواره به پرخاشگری منجر می‌گردد و پرخاشگری نیز می‌تواند نتیجه ناکامی است (محسنی تبریزی، 1372:7). بنا بر نظریه پرخاشگری، کسانی که به نوعی مورد بی‌اعتنایی، بی‌مهری و یا در معرض تهدید قرار می‌گیرند، به نوعی ناکامی دچار می‌شوند

و رفتارهای پرخاشگرانه از خود بروز می‌دهند؛ چرا که پرخاشگری یک پاسخ طبیعی و تقریباً خودکار در شرایط ناکام‌کننده محسوب می‌شود. براساس دیدگاه پرخاشگری، یک محرک که رفتاری خاص و خشونت‌آمیز را بر می‌انگیزد، بیشتر جنبه اکتسابی دارد تا فطری و ذاتی. به عبارتی دیگر با افزایش تدریجی کشاننده، فرد تلاش می‌کند تا موقعیت خاص انجام رفتارهایی را ایجاد کند که بتواند کشاننده را کاهش دهد؛ اما در راه رسیدن به این هدف با مانع برخورد کند و پاداش‌های مورد انتظار را کسب نکند. حالت ناکامی ایجاد می‌شود (باقرزادگان و همکاران، 1392:175). این هدف می‌تواند در رفتار ظاهر تجلی پیدا کند و یا ذهنی باشد. بنابراین می‌توان ادعا کرد، افرادی که بیشتر پرخاشگرند احتمالاً به نزاع گرایش بیشتری دارند؛ لذا این متغیر به عنوان یکی از متغیرهای مستقل مطرح گردید.

یکی از علل مهم در گرایش افراد به نزاع، مشاهده مستقیم و یادگیری آن است که در پژوهش حاضر از آن به عنوان تجربه عینی نزاع یاد می‌شود. تجربه عینی نزاع را می‌توان بر اساس تئوری یادگیری اجتماعی تفسیر کرد. طبق تئوری یادگیری اجتماعی باندورا، رفتارهای نابهنجار، مثلاً گرایش به نزاع‌های فردی و جمعی، زائیده یادگیری اجتماعی می‌باشند (محسنی تبریزی، 1383). مشاهده رفتار نابهنجار محرکی برای افراد است تا به روش غیرمعمول رفتار نمایند. توجه به این نکته مهم است که کودکان مشاهده‌گر، رفتار نابهنجار خود را به تقلید صرف محدود نمی‌کنند، بلکه نابهنجاری‌های جدید خلق می‌کنند، این امر دلالت بر این دارد که تأثیر یک نمونه تعمیم پیدا می‌کند. به طور کلی باندورا و همکارانش نشان دادند که کودکانی که شاهد درگیری و نزاع بوده‌اند، بیشتر از کودکانی که شاهد درگیری و پرخاشگری نبوده‌اند، به اعمال نابهنجار دست زده‌اند (ربانی و همکاران، 1388:110).

### تعریف نظری و نحوه عملیاتی کردن مفاهیم

**نزاع جمعی:** نزاع جمعی به عنوان ناسازگاری اهداف یا ارزش‌های بین دو یا گروه بیشتری در یک رابطه اجتماعی تعریف می‌شود که با تلاش جهت کنترل دیگران و احساسات متخاصم نسبت به همدیگر همراه است (فیشر، 2000:13). برای عملیاتی

کردن این مفهوم از سه بُعد (نگرش به نزاع، گرایش به نزاع و گرایش به انتقام) در قالب 22 گویه استفاده شد.

**تجربه عینی نزاع:** یعنی این که آیا فرد تاکنون نزاع یا درگیری را مشاهده نموده است یا خیر؟ (نظری و همکاران، 1387: 195). برای عملیاتی کردن این مفهوم از سه گویه (آیا تا به حال شاهد نزاع بوده‌اید؟ آیا تا به حال در نزاع شرکت داشته‌اید؟ آیا تاکنون برای خانواده شما نزاعی پیش آمده است؟) استفاده شد.

**خویشاوندگرایی:** پدیده خویشاوندگرایی حاکی از ذهنیتی است که افراد و انسان‌ها را به دو مقوله «خودی» و «غیرخودی» تقسیم می‌کند و روابط اجتماعی را بر همین مبنا سازمان می‌دهد (محمدی، 1376: 3). این مفهوم از طریق پنج گویه (آدم باید بیشتر با اقوام خودش ارتباط داشته باشد تا دیگران. قوم و خویش آدم است که در روز مبادا به داد آدم می‌رسد. داشتن اقوام در ادارات باعث احترام و عزت آدم است. اگر مسئول جایی بشوم ترجیح می‌دهم کارکنانم از اقوام نزدیک باشند. آدم باید در انتخابات مجلس، شورای شهر و... اقوام خود را انتخاب کند) عملیاتی شد.

**پرخاشگری:** پرخاشگری رفتاری است که به قصد آزار و آسیب رساندن به شخصی دیگر، خود یا اشیاء باشد. در تعریف سنتی، پرخاشگری را رفتاری تعریف کرده‌اند که متوجه فرد دیگری است و هدف آن صدمه زدن به وی است. پرخاشگری ممکن است جسمانی (لگد زدن - گاز زدن)، لفظی (فریاد زدن) و یا به صورت تجاوز به حقوق دیگران باشد (خطابی، 1389: 1). برای عملیاتی کردن این مفهوم از هشت گویه (بیشتر وقت‌ها دوست دارم از دیگران انتقاد کنم. اغلب اوقات با افراد جر و بحث می‌کنم. خیلی علاقه دارم که به دیگران مطالبی بگویم که باعث رنجش آن‌ها شود. وقتی نسبت به کسی عصبانی می‌شوم، آرامش خودم را حفظ می‌کنم. اگر کسی با نظرات من مخالفت کند عصبانی می‌شوم. وقتی کسی به من توهین کند، فوراً نسبت به او پرخاش می‌کنم. وقتی نسبت به کسی عصبانی می‌شوم اگر توانش را داشته باشم او را می‌زنم. اغلب احساس می‌کنم دلم می‌خواهد دیگران را کتک بزنم) استفاده شد.

**اختلافات ملکی:** این مفهوم با شش گویه (عدم توافق سر مرزهای زمین باعث دعوا می‌شود. تقسیم ناعادلانه زمین عامل دعوا است. زمین‌های آبی بیشتر عامل نزاع

می‌شوند. داشتن زمین شر، و عامل جر و بحث و دعوا است. داشتن زمین نشانه اعتبار و حیثیت یک فرد یا خانواده است و کسی نباید به آن تعرض کند. تغییر مرز زمین‌های کشاورزی باعث نزاع می‌شود (عملیاتی گردید).

### فرضیه‌های پژوهش

با توجه به مطالب ذکر شده در بخش چارچوب نظری و تجربی تحقیق، می‌توان فرضیات زیر را مطرح نمود:

- بین سن و گرایش به نزاع دسته جمعی رابطه وجود دارد.
- میزان گرایش به نزاع دسته جمعی برحسب جنس متفاوت است.
- میزان گرایش به نزاع دسته جمعی بر حسب وضعیت اشتغال متفاوت است.
- بین خویشاوندگرایی و گرایش به نزاع دسته جمعی رابطه وجود دارد.
- بین پرخاشگری و گرایش به نزاع دسته جمعی رابطه وجود دارد.
- بین اختلافات ملکی و گرایش به نزاع دسته جمعی رابطه وجود دارد.
- بین تجربه عینی نزاع و گرایش به نزاع دسته جمعی رابطه وجود دارد.

### روش‌شناسی پژوهش

این تحقیق به روش کمی و با استفاده از تکنیک پیمایشی مقطعی انجام گرفته است. جامعه آماری، کلیه مردان و زنان 18 تا 60 سال شهر لردگان هستند که طبق سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال 1390 تعدادشان 28947 نفر می‌باشد. در این پژوهش، برای تعیین حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده شد؛ بنابراین، حجم نمونه این تحقیق (با ضریب اطمینان 95 درصد و دقت احتمالی 5 درصد)، 384 نفر برآورد شد. برای نمونه‌گیری، از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای استفاده شد، به این صورت که در مرحله اول شهر لردگان را به سه خوشه‌ی اصلی، بالا شهر شامل محدوده (طرح سپاه، 25 هکتاری و زمین شهری)، مرکز شهر: شامل محدوده (محلّه آخوند، محلّه کردستان، درمانگاه، گلزار شهدا و محلّه تربیت‌بدنی) و پایین شهر: شامل

محدوده (معصوم آباد، محله پشت دادگاه و حاجی آباد) تقسیم کرده و در مرحله بعد، میدان‌های اصلی و خیابان‌های هر منطقه از شهر در حکم بلوک برای خوشه‌ها در نظر گرفته شدند و در مرحله آخر پژوهش‌گر با حضور در این بلوک‌ها به گردآوری داده‌ها پرداخت. ابزار جمع‌آوری داده‌ها، پرسشنامه؛ با 44 گویه بود که براساس طیف لیکرات طراحی شد. برای تنظیم پرسشنامه متغیر وابسته (نزاع دسته جمعی) از پرسشنامه افشانی و همکاران (1394) و برای تنظیم پرسشنامه متغیر مستقل، از پرسشنامه نظری و همکاران (1387) استفاده شد که میزان پایایی آنها با آزمون همسانی درونی به روش آلفای کرونباخ تعیین گردید. مطابق با محاسبات انجام شده ضریب پایایی برای مقیاس نزاع دسته جمعی برابر با 0/880 و برای متغیرهای مستقل برابر با 0/712 شد که نشان می‌دهد مقیاس‌های طراحی شده از سازگاری درونی قابل قبولی برخوردار بوده‌اند. برای تجزیه و تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده، از نرم‌افزار SPSS استفاده شد. توصیف داده‌ها از طریق جدول فراوانی و تحلیل استنباطی داده‌ها، از طریق آزمون تی، همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون انجام گرفت.

### یافته‌های پژوهش

#### یافته‌های توصیفی

جدول 1- ویژگی‌های جمعیت‌شناختی پاسخگویان

جنسیت	تعداد	درصد	وضعیت تأهل	تعداد	درصد
زن	142	0/37	مجرد	159	41/4
مرد	242	0/63	متأهل	225	58/6
وضعیت اشتغال	تعداد	درصد	سن	تعداد	درصد
شاغل	200	52/1	حداقل	18	
غیرشاغل	184	47/9	حداکثر	58	
			میانگین	31/65	

براساس یافته‌های توصیفی جدول 1، از مجموع پاسخگویان، 242 نفر (0/63) مرد و 142 نفر (0/37) زن بوده‌اند. همچنین نتایج وضعیت تأهل نشان داد که از مجموع پاسخگویان، 159 نفر (37/4) مجرد و 225 نفر (62/6) متأهل بوده‌اند و 200 نفر

(52/1) شاغل و 184 نفر (47/9) غیرشاغل بوده‌اند و میانگین سنی آن‌ها برابر با 34/65 سال بود.

### یافته‌های استنباطی

جدول 2- ماتریس همبستگی بین متغیرهای مستقل و نزاع جمعی

8	7	6	5	4	3	2	1	
							1	1- سن
						1	-0/028	2- خویشاوندگرایی
					1	0/532**	-0/056	3- پرخاشگری
				1	0/512**	0/504**	-0/024	4- اختلافات ملکی
			1	0/163**	0/131*	0/099	0/044	5- تجربه عینی
		1	0/079	0/396**	0/561**	0/540**	0/020	6- نگرش به نزاع
	1	0/642**	0/091	0/365**	0/515**	0/442**	0/029	7- گرایش به انتقام
1	0/528**	0/614**	0/093	0/335**	0/510**	0/470**	-0/035	8- گرایش به نزاع
0/886**	0/795**	0/859**	0/104*	0/418**	0/623**	0/565**	0/003	9- نزاع (شاخص کل)

\*\*p<0/01 \*p<0/05

جدول 2 ضریب همبستگی هر یک از متغیرهای مستقل با گرایش به نزاع را نشان می‌دهد. همانگونه که در جدول مشاهده می‌شود، بین تمام متغیرهای مستقل، به غیر از سن و تجربه عینی که با هیچکدام از ابعاد گرایش به نزاع رابطه معنی‌داری نشان ندادند، با تمام ابعاد متغیر وابسته (گرایش به نزاع) رابطه مثبت و معنی‌داری مشاهده می‌شود. همچنین از بین متغیرهای مستقل، پرخاشگری با ضریب همبستگی (0/623) بیشترین میزان همبستگی و تجربه عینی با ضریب همبستگی (0/104) کمترین میزان همبستگی با متغیر وابسته (گرایش به نزاع) را داشته‌اند.

جدول 3- مقایسه میانگین‌های گرایش به نزاع بر حسب جنسیت، تأهل و اشتغال

میزان گرایش به نزاع			متغیرها	
سطح معنی‌داری	تی	میانگین		
0/000	7/344	68/13	مرد	جنسیت
		59/75	زن	
0/169	1/377	65/97	مجرد	وضعیت تأهل
		64/37	متأهل	
0/506	0/666	65/45	شاغل	وضعیت اشتغال
		64/66	غیرشاغل	

همانگونه که در جدول 3 ملاحظه می‌شود میزان گرایش به نزاع در بین مردان و زنان متفاوت و این تفاوت معنی‌دار است. به طوری که مردان با میانگین (68/13) نسبت به زنان با میانگین (59/75) گرایش بیشتری به نزاع دارند ( $P < 0/001$ ). اما بین گرایش به نزاع بر حسب متغیرهای وضعیت تأهل و وضعیت اشتغال تفاوت معنی‌داری وجود ندارد ( $P > 0/05$ ).

### تبیین نزاع بر حسب متغیرهای مستقل

برای بررسی دقیق‌تر تأثیر متغیرهای مختلف بر نزاع، از رگرسیون با روش گام به گام استفاده شده است. از بین متغیرهای وارد شده به مدل، متغیرهای پرخاشگری و اراضی ملکی تأثیر معنی‌داری بر نزاع داشتند و متغیرهای خویشاوندگرایی و تجربه عینی از مدل خارج گردیدند.

جدول 4- نتایج رگرسیون گام به گام متغیر وابسته نزاع

متغیر	B	Beta	T	Sig (t)	R	R <sup>2</sup>	مقدار F	Sig (F)
پر خاشگری	9/329	0/554	11/992	0/000	0/633	0/401	13/50	0/000
اختلافات ملکی	2/131	0/135	2/919	0/004				

بر اساس نتایج جدول 5، متغیرهای پرخاشگری با ضریب تأثیر ( $Beta=0/554$ ) و اختلافات ملکی با ضریب تأثیر ( $Beta=0/135$ ) به ترتیب بیشترین تأثیر را در تبیین پدیده نزاع دارند و قادرند 40 درصد تغییرات میزان نزاع را در بین شهروندان تبیین نمایند.

### بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر گرایش به نزاع دسته جمعی در شهر لردگان صورت گرفته است. این پژوهش برخی ویژگی‌های جمعیت‌شناختی نظیر، جنسیت، سن، وضعیت تأهل، تحصیلات و وضعیت اشتغال افراد را مورد بررسی قرار داده و نتایج به صورت توصیفی ارائه گردیده است. در بخش استنباطی روابط بین متغیرهای مستقل و وابسته تحقیق، به منظور تحلیل عمیق‌تر اطلاعات جمع‌آوری شده، مورد بررسی قرار گرفت. میزان گرایش به نزاع بر حسب جنسیت معنادار شد و مردان نسبت

به زنان گرایش بیشتری به نزاع دسته جمعی دارند که از این جهت با یافته‌های نظری (1387) همخوانی ندارد و با یافته‌های رضایی و همکاران (1389) همسو می‌باشد. بین افراد متأهل و مجرد در میزان گرایش به نزاع دسته جمعی تفاوت معنادار دیده نشد، که این یافته با یافته‌های نظری (1387) و رضایی و همکاران (1389) همسو بوده و با یافته‌های افشانی (1394) همخوانی ندارد. میزان گرایش به نزاع دسته جمعی در بین افراد شاغل و غیرشاغل تفاوت معنادار ندارد، که این یافته با یافته‌های نظری (1387) همسو بوده با نتایج پژوهش افشانی (1394) همخوانی ندارد. بین متغیر سن و میزان گرایش به نزاع دسته جمعی رابطه معنی‌داری را ملاحظه نشد که از این جهت با یافته‌های نظری (1387)، خیال پرستان (1388) و حسین‌زاده و همکاران (1389) همسو بوده و با یافته‌های عدالتی منش (1386)، واحدی و همکاران (1392) و افشانی و همکاران (1394) همخوانی ندارد. بین تجربه عینی نزاع و گرایش به نزاع دسته جمعی همبستگی معناداری مشاهده گردید. که این یافته با نتایج تحقیقات طالبی و همکاران (1396)، افشانی و همکاران (1394) و ربانی و همکاران (1388) همسو بوده است. براساس تئوری یادگیری اجتماعی، رفتارهای ناهنجار، مثلاً گرایش به نزاع‌های دسته جمعی، زائیده یادگیری اجتماعی هستند و مشاهده رفتار ناهنجار محرکی برای افراد است تا به روش غیرمعمول رفتار نمایند (محسنی تبریزی، 1383). لذا مشاهده خشونت و تجربه نزاع در اجتماع، عاملی مؤثر در یادگیری و گرایش افراد به رفتارهای ناهنجار مثل نزاع می‌باشد. متغیر خویشاوندگرایی با گرایش به نزاع دسته جمعی همبستگی مثبتی داشت که این یافته با نتایج تحقیقات طالبی و همکاران (1396)، نظری و همکاران (1387) و میرفردی و همکاران (1390) همسو می‌باشد. بین پرخاشگری و گرایش افراد به نزاع نیز همبستگی مثبتی مشاهده گردید. این یافته با نتایج تحقیقات نظری (1387) رضایی و همکاران (1389) همسو بوده است. بین اختلافات اراضی ملکی و گرایش به نزاع دسته جمعی نیز همبستگی یافت گردید که این یافته با یافته‌های عبدلا و همکاران (2011)، گوگونتی (2014)، طالبی و همکاران (1396) و شریعتی (1391) همسو می‌باشد.

با توجه به نتایج، متغیرهای پرخاشگری، خویشاوندگرایی و اختلافات ملکی بیشترین میزان همبستگی و تأثیر را بر گرایش افراد به نزاع دسته جمعی داشته‌اند. برای تبیین



رابطه پرخاشگری و نزاع دسته جمعی می‌توان گفت که افرادی که به هرنحوی در زندگی دچار ناکامی شده‌اند اکثر مواقع احساس عصبانیت و خلق‌وخوی خشمگینانه دارند و تمایل بیشتری برای بروز فیزیکی و کلامی خشم خود دارند و در برابر شرایط محیطی تحریک‌کننده، خیلی زود کاسه صبرشان سرریز می‌شود و از کوره در می‌روند و در برابر این موقعیت‌های تحریک‌کننده واکنش پرخاشگرانه از خود نشان می‌دهند و شروع کننده درگیری‌ها و نزاع‌ها می‌باشند. آن‌ها به خاطر تسکین آلام و ناکامی‌های خود، تمایل بیشتری دارند که به نزاع و درگیری ادامه بدهند، که این امر موجب ادامه پیدا کردن نزاع و درگیر شدن افراد دیگری به نزاع خواهد شد که در نهایت به نزاع دسته جمعی منجر خواهد گردید.

با توجه به این شهر لردگان به شدت متأثر از ارزش‌های سنتی و طایفه‌ای می‌باشد خویشاوندگرایی نقشی اساسی در گرایش افراد به نزاع دارد. چرا که نظام طایفه‌ای باعث ایجاد نوعی همگرایی درون طایفه‌ای یا خویشاوندگرایی و نظام (پشتی) می‌شود. در این نظام (پشتی)، افراد که با یکدیگر احساس خودی بودن می‌کنند و حس برتری نسبت به غیر خودی‌ها دارند به دفاع و حمایت از یکدیگر بر می‌خیزند و مشکلات، خسارات و دشواری‌های خویشاوندان، را مشکلات و دشواری‌های خود به حساب می‌آورند و در منازعات به جای توسل به قانون، به «دفاع» یا حمایت کورکورانه از هم بر می‌خیزند، چرا که کنش‌های افراد نه بر اساس عقلانیت و منطق، بلکه بر مبنای تعصبات غیرمنطقی و آتش غیرت نسبت به اعضای خانواده و خویشاوندان صورت می‌گیرد؛ زیرا افراد به این شکل جامعه‌پذیر شده‌اند و با بروز یک اختلاف کوچک میان دو فرد یا دو خانواده، اطرافیان نیز به حمایت نزدیکان و خویشاوندان خود برخاسته و نزاع‌های جمعی اتفاق می‌افتد.

یکی دیگر از عواملی که باعث نزاع دسته جمعی می‌شود اختلافات ملکی و عدم تفکیک صحیح اراضی و نبود مرزبندی ثابت بود. از آنجایی که زمین، جزئی از زندگی، هویت، حیثیت و هستی افراد محسوب می‌شود و یکی از منابع محدود، ولی با ارزش به شمار می‌آید که افراد به طور نابرابر به آن دسترسی دارند، افراد با توجه به حس فطری زیاده‌خواهی‌ای که دارند؛ تلاش می‌کنند که سهم بیشتری از آن را به دست بیاورند به همین دلیل مرزهای تفکیک‌کننده اراضی که به طور صحیح و قانونی مشخص نشده‌اند

را تغییر می‌دهند. و از آنجا که اراضی ملکی برای افراد همچون ناموس آنها محسوب می‌شود هرگونه تغییر و اختلال در مرزها، توهین و دست‌درازی به ناموس آنها تلقی می‌شود که این امر منجر به درگیری و حتی نزاع‌های دسته جمعی می‌شود. از سویی دیگر، اراضی ملکی چون کارکرد تولیدی دارند و منبع درآمد و ثروت هستند و ثروت به همراه خود، قدرت و منزلت اجتماعی برای دارنده آن ایجاد می‌کند کوچکترین اختلال در مرزهای املاک و ارزش زمین نیز منجر به درگیری می‌شود.

### پیشنهادها

- با توجه به این که پرخاشگری یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر نزاع‌های دسته‌جمعی می‌باشد پیشنهاد می‌شود که جهت کاهش و کنترل پرخاشگری و بالا بردن قدرت تاب‌آوری افراد در شرایط تحریک‌کننده، کلاس‌های آموزشی کنترل خشم و قدرت تاب‌آوری در محیط‌های اجتماعی متفاوت و برای اقشار مختلف جامعه برگزار گردد.
- از آنجایی که خویشاوندگرایی می‌تواند عاملی برای نزاع باشد اما از همین عامل نیز می‌توان در جهت کاهش نزاع استفاده کرد به صورتی که خویشاوندی‌های سببی از طریق ازدواج‌های برون فامیلی و بین طایفه‌ای بیشتر شود و از این طریق روابط مایی (خودی) و آنهایی (غیره خودی) در بین اقوام مختلف کاهش پیدا کند و حس تعلق و تعهد داشتن نسبت به همدیگر افزایش یابد و انسجام اجتماعی درون گروهی به انسجام بین گروهی گسترش پیدا کند.
- برنامه‌ریزی صحیح و مستمر در راستای تفکیک اراضی و مرزبندی ثابت زمین‌ها و ثبت آن‌ها در ثبت اسناد و گرفتن سند برای املاک و اراضی خود، جهت جلوگیری از تعرض به اراضی یکدیگر و کاهش تنش‌های حاصل از نبود تفکیک‌بندی صحیح اراضی.

## منابع

- افشانی، سیدعلیرضا؛ نوائی، سعید و دلبازی، مجتبی (1394). بررسی پدیده نزاع در بین شهروندان ساکن شهر یزد. پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی، شماره 9، صص 79-94.
- بارتوس، اتومارچی و ور، پائول (1391). کاربرد نظریه کشمکش. ترجمه علی کاظمی، تهران: زیتون سبز.
- باقرزاده‌گان، امیر و میرزایی، محمد (1392). بررسی عوامل تحقق نزاع فردی و دسته جمعی با تکیه بر نقش حاشیه نشینی (مطالعه موردی شهرستان سنندج)، فصل‌نامه کارگاه، شماره 25، صص 163-190.
- بیرو، آلن (1375). فرهنگ علوم اجتماعی. ترجمه باقر ساروخانی، تهران: کیهان.
- بیتس، دانیل و فرد پلاگ (1387). انسان‌شناسی فرهنگی. ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.
- پایگاه خبری ایرنا، 1395/9/20. کد خبری 82340327. [www.irna.ir/fa/News/82340327](http://www.irna.ir/fa/News/82340327).
- پایگاه خبری یافته: [www.YafteNews.ir](http://www.YafteNews.ir). 1394/1/18.
- پورافکاری، نصراله (1383). نزاع‌های جمعی محلی. در مجموعه مقالات اولین همایش کلی طرح مسائل جامعه‌شناسی ایران، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی، صص 373-386.
- خطایی، اسحاق (1389). وبلاگ علمی فرهنگی تربیتی ورزشی، آسمان همیشه آبی. <http://asoltan50.blogfa.com/post-108.aspx>
- ربانی، رسول؛ عباس‌زاده، محمد و نظری، جواد (1388). بررسی عوامل اجتماعی- فرهنگی بر گرایش به نزاع جمعی (مطالعه موردی شهرستان‌های منتخب استان ایلام). انتظام اجتماعی، شماره 3، صص 103-126.
- سازمان پزشکی قانونی استان چهارمحال و بختیاری (1396). گزارش آماری مربوط به نزاع در سال‌های گذشته.
- سازمان پزشکی قانونی کشور (1396). گزارش آماری مربوط به نزاع طی سال‌های گذشته.
- سریع‌القول، محمود (1386). فرهنگ سیاسی ایران. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، چاپ اول.
- شاطریان، محسن؛ نیازی، محسن و عشایری، طاها (1394). عوامل اجتماعی- فرهنگی مؤثر بر گرایش به نزاع طایفه‌ای (مورد مطالعه: عشایر ایل پیچیک، شهرستان اهر). شماره 4، صص 67-86.

- شریعتی، مسعود؛ مهاجری، محمدکاظم و ملکی، ابوالفضل (1391). بررسی عوامل مؤثر بر تمایلات بالقوه به نزاع‌های دسته‌جمعی در شهرستان خداآبنده، فصلنامه پژوهش‌های انتظام اجتماعی، شماره 2، صص 95-118.
- صادق‌نیا، آسیه و میرفردی، اصغر (1392). بررسی رابطه فرهنگ شهروندی و گرایش به نزاع جمعی در بین مردان 15 تا 65 سال شهرستان بویراحمد. دانش انتظامی کهگیلویه و بویراحمد، شماره 10، صص 23-53.
- طالب، مهدی؛ نجفی اصل، زهره و احمدی اوندی، ذوالفقار (1396). مطالعه کیفی عوامل اجتماعی - فرهنگی مؤثر بر نزاع‌های دسته جمعی (مورد مطالعه: شهرستان ایذه). فصلنامه توسعه اجتماعی (توسعه انسانی سابق)، دوره 11، شماره 4، صص 71-102.
- عابدینی، صمد؛ ابراهیمی، جعفر و قلی‌زاده، پروین (1390). فراتحلیل تحقیقات انجام گرفته در زمینه درگیری‌های دسته جمعی. مطالعات جامعه‌شناسی، شماره 12، صص 7-22.
- محسنی تبریزی، علیرضا (1372). خودکشی در استان ایلام. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران.
- محمدی، بیوک (1376). خویشاوندگرایی در ایران. فرهنگ و توسعه، شماره 21، صص 34-36.
- محمدی، غلامحسین (1390). بررسی عوامل مؤثر بر وقوع قتل‌های عمد، استان چهارمحال و بختیاری. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه علوم انتظامی.
- میرساردو، طاهره و مرتضوی، علیرضا (1391). بررسی عوامل اجتماعی مؤثر در وقوع نزاع دسته جمعی در شاهرود، فصلنامه دانش انتظامی سمنان، شماره 6، صص 30-37.
- میرفردی، اصغر؛ احمدی، سیروس و صادق‌نیا، آسیه (1390). میزان گرایش به نزاع جمعی در میان مردان 15 تا 65 سال شهرستان بویراحمد و عوامل مؤثر بر آن. فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، صص 148-177.
- نظری، جواد و امینی فسخودی، عباس (1387). تبیین جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر گرایش به نزاع جمعی، در مناطق روستایی استان ایلام. مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، دوره 27، صص 187-210.
- نورعلی‌وند، علی؛ درویشی، فرزاد و قاسمی، ابوذر (1395). بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر نزاع جمعی (مطالعه موردی: استان ایلام). فصلنامه امنیت اجتماعی، شماره 49، صص 143-169.
- Abdalla, Yasin & Elhadary, Eltayeb (2011). "Pastoral Land Rights and Protracted conflict in eastern Sudan", University of Khartoum, Faculty of Geography, and Post. P. 123.

- Aisha K. G, Nazand B & Gill Hague (2012), Honor -based violence in Kurdish communities Women's Studies International Forum, n35, University of Roehampton, London, United Kingdom.
- Fisher, Ron (2000), Sources of Conflict and Methods of conflict Resolution, International Peace and Conflict Resolution School of International Service, The American University, c. 1677, Rev. 1625.
- Gogoneni, Rupo (2014). "Kenyan, Somalis clash in Nairobi", RFI. M21.
- Le Franc, E., M. Samms-Vaughan, I. Hambleton, K. Fox & D. Brown (2008). "Interpersonal violence in three Caribbean countries: Barbados, Jamaica, and Trinidad and Tobago." Rev Panama Salud Publica. Vol. 24, No.6, pp. 409-421.
- Merton, R & R. Nisbet (1974). Contemporary Social Problem. New York: Harcourt Brace Jovanovich, Inc, yamin.p 12-50.
- Morgans, Catherine (2015) Brazil rural conflict growing Published on: Tue Jul Latin America Inside Out Blog.
- Rice, Xan (2009). "Women and children targeted in Sudan clash leaving people dead", The Guardian (London), Retrieved
- Richmond, Matt (2011). "Sudan Death Toll in Abyei Region Rises to 76, South's Army Says", Business Week. P 345.
- Side, Katherine (2014), Canada, Re-assessing rural conflict: Rituals, symbols and Commemorations in the Moyle District, Northern Ireland, Journal of Rural and community development, Memorial University, 127-102).

Archive of SID